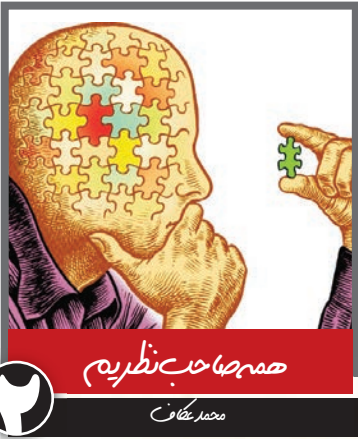




خوانش «فرهنگ‌نامه انقلاب اسلامی برای نوجوانان» روزها و رویدادها

همه صاحب نظریم

محمدرضا



بعد از انقلاب، هنر سینما
هم فضای متفاوتی
پیدا کرد
از فیلم فارسی
تا سیمرغ فجر

برق



شماره ۵۵۹

۴ صفحه

چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۶
۳۰ جمادی الاول ۱۴۳۹
۷ فوریه ۲۰۱۸

برپرسیده
جراید



نسل چهارم چقدر می‌تواند برای انقلاب تصمیم‌گیر باشد

#ما را هم - بازی بدهید

برای دوست داشتن همیشه دو مسیر وجود دارد؛ یک مسیر راه این است که شما در خانواده‌ای به دنیا می‌آیید و کنارشان قد می‌کشید و به خاطر این هم‌خونی با هم پیوند دارید و تا دنیا دنیاست به هم وصل هستید و همدیگر را دوست دارید یا این که با کسی رفیق می‌شوید و سال‌ها رفاقت‌تان ادامه پیدا می‌کند و کنار هم به تجربه‌های مشترکی می‌رسید و به خاطر همین خاطرات مشترک به هم پیوند می‌خورید و گاه عمر دوستی‌تان تا پایان عمر ادامه پیدا می‌کند، اما همیشه همه‌چیز این‌طور سرراست اتفاق نمی‌افتد، گاه به کسی علاقه‌مند می‌شوید یا به ماجرای پیوند می‌خورید که خیلی پیش از شما دنیا آمده و از دنیا رفته است یا سال‌ها قبل از آن که شما به دنیا بیاید، اتفاق افتاده است. این‌چنین وقت‌ها مسیر سخت و متفاوتی را طی می‌کنید، اما به نتیجه‌های درخشانی می‌رسید؛ نمونه‌اش علاقه‌ای است که ما به بزرگان و قهرمان‌های کشورمان داریم یا پیوندی که با حادثه‌های دینی یا ملی در خیلی سال قبل داریم. این‌چنین پیوندها و علاقه‌ها معمولاً با سؤال و کنجکاوی شروع می‌شوند. سؤال‌هایی که گاه ممکن است تلخ و تند هم باشند، اما معمولاً به اتفاق‌های روشن و آشنایی‌های شیرین ختم می‌شوند. این روزها بیشتر سؤال‌های ما برویج نوجوان در مورد اتفاق عظیمی است که در چهل سال گذشته اتفاق افتاده و سبک زندگی ما را متفاوت کرده است. به همین خاطر سراسر افرادی رفته‌ایم که شاید چندان از ما دور نباشند و جزو نسل سومی‌ها به حساب بیایند، اما قد و قواره فکرشان به خاطر سؤال بیشتر و مطالعه عمیق‌تر از ما بلندتر است و به خاطر تجربه‌های مشترک دلشان با ماست و سؤال‌های ما را می‌فهمند و با حوصله پاسخ می‌دهند. یکی از این افراد آقای «عبدالمطهر محمدخانی» است که روزنامه‌نگار و دست به قلم است و در رسانه برای نوجوان‌هایی مانند من و شما می‌نویسد.

به اندازه‌ای که تلاش کنیم
نقش داریم

نه این که حرف سهم و سهم‌خواهی باشد، اما وقتی جریانی در گذشته خانواده ما اتفاق می‌افتد و تا امروز ما ادامه پیدا می‌کنیم، آدم به فکر می‌افتد که سهمش از این جریان چیست و با آن چند چند باید باشد. این سؤال را از آقای محمدخانی می‌پرسیم و ایشان خیلی رک و سرراست می‌گویند: «نسل چهارم به میزانی که تلاش می‌کنند و آرمان انقلاب را بپذیرند و با آن همراهی کنند در انقلاب نقش و سهم خواهند داشت. نسل چهارم شاید برای فهم انقلاب راه سخت‌تری پیش‌رو داشته باشد، از این زاویه که بخش مهمی از شناسنامه انقلاب را خودش تجربه نکرده است؛ البته نمی‌خواهم بگویم آن‌هایی که دهه ۵۰ یا ۶۰ را تجربه کردند انقلابی‌تر هستند، چون هم‌چنان ما در وضعیت انقلابی هستیم و این مسیر ادامه دارد و هر کس به اندازه‌ای که بخواهد و تلاش کند در این مسیر سهم خواهد داشت.»

استقلال و آزادی، مهم‌ترین میراث

این روزها همه از میراث انقلاب برای نسل ما می‌گویند و می‌خواهند ما قدردان این میراث باشیم، از آقای محمدخانی می‌پرسیم این میراث چیست و در واقعیت دست‌آورد قابل لمس انقلاب برای ما نوجوانان امروزی چیست، ایشان در پاسخ می‌گویند: «دستاوردهای انقلاب این‌قدر وسیع است که از هر بخشی شروع کنی می‌توانی نمونه‌های متعددی را نام ببری، اما من فکر می‌کنم دو نعمت بزرگ استقلال و آزادی، مهم‌ترین دستاوردهایی است که انقلاب به ما هدیه کرده است که شاید درک آن برای دهه چهارمی‌ها و حتی ما دهه سومی‌ها سخت باشد، چون کشور ما در بالاترین میزان استقلال خودش قرار دارد یا به قولی ما درون این استقلال قرار داریم. یک راه فهم این نعمت مقایسه و یک بررسی ساده تاریخی بین قبل از انقلاب و وضعیت فعلی ماست. راه دیگر مقایسه شرایط حال حاضر کشور خودمان با کشورهای منطقه است. کشورهایی که پول نفتشان را به راحتی خرج منافع آمریکا می‌کنند و فاقد حداقل‌های سیاسی هستند. کسانی خارج از چارچوب کشورشان برایشان تصمیم می‌گیرند. به نظر من این اوج ذلت و خفت یک کشور است که مردمش ببینند رهبران و مسئولان بدون توجه به منافع کشورشان براساس خواست کشوری دیگر تصمیم می‌گیرند و راه قرار هم ندارند. این که درباره منافع ایران در پایتخت تصمیم‌گیری می‌شود و کسی بیرون از ایران برای ایران تصمیم نمی‌گیرد، شاید ساده به نظر بیاید، اما این همان چیزی است که ما برای آن خیلی زحمت کشیدیم و به سادگی به دست نیامده است.»

میراث انقلاب را به جهان برسانیم

از آقای محمدخانی می‌پرسیم حالا که ما در قلب یک ماجرا هستیم و به نوعی ادامه یک مسیریم که پیش از ما شروع شده است، تکلیفمان با این شرایط چیست و چطور باید ادامه‌اش بدهیم، ایشان در جواب می‌گویند: «خاطرم نیست این گفته از کیست که: «پیش از این که بگویید انقلاب برای شما چه کرده است، بگویید شما برای انقلاب چه کرده‌اید؟» حتماً شنیده‌اید که می‌گویند انقلاب ما یک انقلاب دینی و مردمی بوده است، خوب، این حرف تکلیف حکومت و نقش ما در جریان آن را به خوبی مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که هر کس به میزانی که تلاش بیشتری برای آرمان‌های انقلاب کند نقش بیشتری هم در آن خواهد داشت. به نظر من نقش مهم نسل چهارم پیوند دادن دو مفهوم کلیدی «مردمسالاری دینی» به عنوان مهم‌ترین میراث انقلاب اسلامی و «جهان‌نوین» که در بستر ارتباطات شکل گرفته، است. اگر نسل چهارم بتواند بین این دو مفهوم ارتباط درستی برقرار کند و خودش را به سلاح انقلابی‌گری و دین تجهیز کند و در مقابلش شکست نخورد، فکر می‌کنم نقشش را ایفا کرده است.»

می‌توانیم نقش کلیدی داشته باشیم

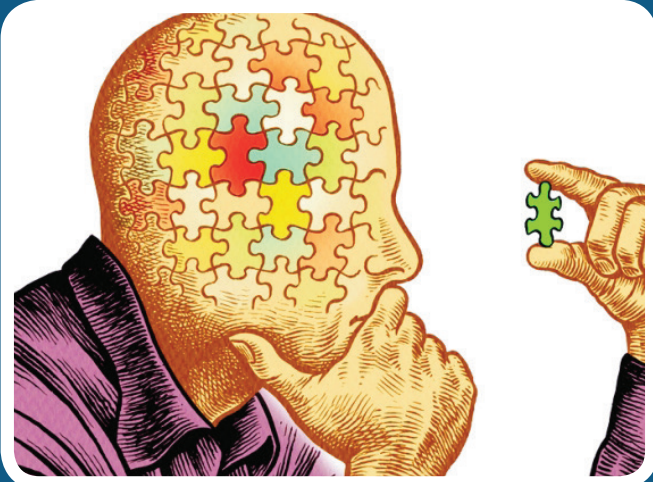
حرف که به این‌جا می‌رسد و گفته می‌شود که ما باید بین میراث انقلاب و دنیای جدید ارتباط برقرار کنیم از آقای محمدخانی می‌پرسیم که مگر انقلاب ما چه حرفی برای سایر مردم دنیا دارد و چه می‌تواند در ارتباط جهانی بگوید، ایشان در این‌باره توضیح می‌دهد: «انقلاب ما یک انقلاب جهانی است. برای همه مردم بشر حرف دارد و قرار است از مستضعفان جهان دفاع و از نهضت‌های آزادی‌بخش حمایت کند. در نسل چهارم نوجوانانی را داریم که ورودشان به فعالیت‌های اجتماعی هم‌زمان با فضای ارتباطی و اطلاعاتی بوده و جهان اطرافشان را از طریق فناوری‌های روز بهتر درک می‌کنند، به همین دلیل شاید فهم نسل‌های پیشین از همین مفاهیم و نوع انجام این مأموریت‌ها تا قبل از فناوری‌های اطلاعاتی خیلی سخت‌تر و کوچک‌تر و کم‌کاربردتر بود، اما الان نسل چهارم می‌تواند کلیدی‌ترین نقش را به واسطه ویژگی نسلی‌اش ایفا کند و حتی ان‌شالله مقدمات ظهور را فراهم کند.»



عامه‌پسند و غربی

بعد از انقلاب بحث و چالش درباره هنر سینما و تلویزیون زیاد بود. سینما هنری بود که از غرب وارد ایران شده بود؛ البته کشور ما خودش هم آثار نمایشی بومی داشت و دارد. اما تولید غرب بود و از آن جایی که رژیم پهلوی به پیاده کردن آموزه‌های اسلام توجه نداشت سینمای ما کپی‌برداری از سینمای غرب بود؛ هم در ظاهر و چهره بازیگران از نظر حجاب و پوشش و هم از نظر قصه و محتوا که معمولاً داستان‌های عامیانه و مبتذل بودند. بسیاری از افرادی که از اتفاق افتادن انقلاب ایران می‌ترسیدند می‌گفتند اگر نظامی دین اسلام روی کار بیاید حتماً دیگر در کشور سینما نخواهیم داشت. بازیگران می‌شوند و در سینماها بسته خواهد شد. آن‌ها حتی می‌گفتند که سینما دست‌مدرن است و حکومت اسلامی با هر چیز جدید و پیشرفته‌ای مخالف است!

نعمیه موحد | حالا که با هم به ششمین قسمت سلسله گزارش‌ها درباره دستاوردهای انقلاب رسیدهایم خیلی چیزها از روزهای قبل از انقلاب فهمیده‌ایم. حالاً می‌توانیم بفهمیم که چرا انقلاب اتفاق افتاد و پیروزی آن چه تأثیری روی حال و آینده ما گذاشت. حالا می‌دانیم که در کشورمان چقدر نرخ سواد و تحصیلات بیشتر شده است. روستاهایمان چقدر پیشرفت داشته‌اند. کشاورزی ما از چه شرایطی نجات پیدا کرده است و چقدر برای مردم شهر و روستا امکانات بهداشتی و رفاهی فراهم شده و آمار مرگ را کاهش داده است. فهمیدیم که الان کشورمان چقدر در علوم پزشکی، دریایی، فضایی، نظامی و... پیشرفت کرده است تا کسی جرئت نکند به مرزهای ایران چپ نگاه کند. یادداشتن این‌ها حالا می‌توانیم با نگاه دیگری چهل سالگی انقلابمان را جشن بگیریم. ششمین قسمت این گزارش را به وضعیت هنر سینما و تلویزیون در دوران قبل و بعد از انقلاب اختصاص دادیم. به نظر شما هنر قبل از انقلاب چطوری بوده است؟



همه‌صاحب‌نظریم

محمد عکاف
ما ایرانیان جمعاً صاحب‌نظریم و در همه مسائل ریزودرشت همه‌فن حریف؛ از مسائل سیاسی و اجتماعی گرفته تا حوزه‌های فرهنگی و هنری؛ از امور اقتصادی گرفته تا پزشکی! خلاصه در همه‌چیز سر رشته داریم و می‌توانیم همه اتفاقات روز را تجزیه و تحلیل کنیم. برای امتحان کافی است وقتی سوار تاکسی می‌شوید، موضوعی را به انتخاب خودتان مطرح کنید. ناگهان سیل نظرها و پیشنهادها کارشناسانه و مشفقانه از راننده تاکسی گرفته تا مسافران سرازیر شود. نکته جالب این‌که همه هم برای استدلال‌هایشان دلیل و برهان‌های جامع و محکم‌پسندی دارند و برای این‌که محکم بودنش را اثبات کنند، بخشی از صحبت‌هایشان را به یکی از دوستان یا آشنایان‌شان که مسئولیت مهمی در نظام دارد یا یکی از اقوامشان که خارج رفته است ربط می‌دهند، اما جمع‌بندی همه حرف‌ها و صحبت‌ها معمولاً پایان‌بندی و نتیجه‌گیری مشترکی دارد که فکر می‌کنم از زمانی که ما ایرانیان به کسوت کارشناسان همه‌چیزدان منصوب شدیم این نتیجه‌گیری‌ها ثابت بوده است. نمونه، به یکی از این بحث‌ها توجه کنید و ببینید عمق تخصص ما تا کجاست!

«...آقا ما در این مملکت همه‌چیز داریم. خاک این مملکت صادر می‌شود، آب این مملکت صادر می‌شود. شما که نمی‌دانید، ما یک آشنایی داریم در وزارت کشاورزی که می‌گوید، این میوه‌هایی که شما می‌خرید درجه ۳ باغات ایران هم نیست، میوه درجه یک را که من و شما نمی‌بینیم همان‌جا سر مزرعه بسته‌بندی می‌کنند و می‌فرستند خارج، گفتمم خارج. آقا این نفت ما همه‌اش می‌رود خارج؛ اصلاً مشکل اصلی این مملکت نفت بی‌زبان است. تا تکیه ما به نفت است ما هیچ‌وقت پیشرفت نمی‌کنیم و همین وضع ماست هی بزنن بی‌زبان را می‌ریزیم توی ماشین و راه می‌افتیم توی خیابان، اصلاً مشکل ایران خودرو و سایپا هستند که هی ماشین تولید می‌کنند و می‌فرستند توی خیابان‌ها. خیابان‌ها هم که کشتش ندارند وضعیت همین می‌شود که تورم زیاد می‌شود. تورم که زیاد شود فساد توی جامعه هم زیاد می‌شود. آقا اگه بدانید توی خیابان‌های تهران چقدر فساد زیاد شده! شما که نمی‌دانید. یک خانمی دیروز توی تاکسی نشسته بود تعریف می‌کرد پسر خواهرش به خاطر نداشتن کار فاسد شده است؛ البته این ماهواره هم جوان‌های مردم را فاسد کرده است. ما که ماهواره نداریم، اما اتفاقی خونه یکی از دوستان دیدم که چقدر جوان‌ها را از راه به در می‌کند. فکر می‌کنید جوان‌های مردم چطور از دست می‌روند، مال همین ماهواره و بی‌کاری و اعتیاد و این جور چیزهاست دیگر. البته باید جوان‌ها را تشویق به ازدواج کرد. من همیشه به بچه‌هایم می‌گویم که ازدواج کنند تا کمتر فاسد شوند؛ البته کار اگر باشد جوان ازدواج می‌کند. توی این مملکت کار زیاد است، ما ایرانیان اهل کار نیستیم. من چند سالی رفته بودم ژاپن، ایرانی‌ها به‌جای این‌که کار کنند فکر این بودند که از زیر کار در بروند؛ البته ایرانی‌ها فکرشان خیلی خوب کار می‌کند و... ما در این مملکت همه‌چیز داریم‌ها نیاز نیست برای کار ژاپن برویم. خاک این مملکت صادر می‌شود این مملکت صادر می‌شود. شما که نمی‌دانید ما یک آشنایی داریم در وزارت امور خارجه که می‌گوید، این میوه‌هایی که شما می‌خرید...» خواستم بگویم داشتن قدرت تحلیل که آن‌هم با مطالعه محقق می‌شود ما را نسبت به دستاوردهای نظام و انقلاب و حتی مشکلات و نارسایی‌ها واقع‌بین می‌کند. امروز از هر زمان دیگری انقلاب به نوجوانان و جوانان صاحب‌نظر و اهل تحلیل نیاز دارد. به مشکلات و کمبودها در کشور وجود دارد، کسی هم منکرش نیست، اما باید یاد بگیریم و به اطرافیانتان یاد بدهیم که درست تحلیل کنیم نه آبکی...

بعد از انقلاب، هنر سینما هم فضای متفاوتی پیدا کرد از فیلم فارسی تا سینمای غفجری



۶۶

رویکرد مهم خنثی (ره) به سینما و تلویزیون
نشان می‌داد که قرار نبود این هنرها در کشور
ما کمر تعطیل شوند بلکه قرار بود تخیل کنند. از
طرف دیگر هم نشان می‌داد که تصویر خلیج
از دشمنان از جمهوری اسلامی و دین
اسلام تصویر غلطی است.

خوانش «فرهنگ‌نامه

روزها

الهام صالح // می‌دانم که جزو
از این دوران را از زبان پدر
فکر نمی‌کنم. تو هم به سهم
کتاب‌هایی که در زمینه خاطرات
اسلامی برای نوجوانان، بهتر
این مطلب دلت خ



شعارها

بخش «روزشمار» کتاب از ۱۷ دی ۱۳۵۶ شروع می‌شود، طبعاً پایان آن نیز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ است. کمی در آن روزها قدم بزنیم؛

دی ۱۳۵۷: تهدید کارکنان اعتصابی شرکت نفت به محاکمه نظامی از سوی دولت.

دی ۲۷ ۱۳۵۷: انتشار پیام حضرت امام خمینی (ره) در مورد رفتن شاه و دعوت مردم به راهپیمایی روز اربعین. اعلام آمادگی و لیبعد برای عهده‌دار شدن حکومت.

دی ۲۹ ۱۳۵۷: راهپیمایی بزرگ روز اربعین.

۴ بهمن ۱۳۵۷: محاصره مهرآباد به وسیله تانک‌ها. تدارک مراسم استقبال از امام (ره).

حتماً با شعارهای انقلابی آشنایی داری، اما بخش «شعارها» تو را با شعارهایی آشنا می‌کند که تاکنون نشنیده‌ای یا این‌که کمتر به گوششت آشناست. اول چندتا شعار که با حرف «الف-آ» آغاز می‌شود: «ارتش تو بی‌گناهی، آلت دست شاهی»، «ارتش بگو جواب گل، گلوله بود؟» و «ارتش برادر نمی‌شه مردم مسلح شوید...»

چند شعار که با حرف «س» شروع می‌شوند: «سرباز، تو هم از مایی فردا میان مایی / وقتی که این چنین است امروز چرا نیایی؟» و «سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن». بخش «شعارهای طنز» هم تو را با شعارهایی طنز آشنا می‌کند: «بسر رضا کچل، بدجوری افتاد تو هچل!» یا این شعار: «با مرگ یا خمینی، حمله به بانک ملی». در توضیح شعار دوم هم نوشته شده: «مردم خشمگین گاهی با حمله به ادارات دولتی، کاباره‌ها، قمارخانه‌ها و نیز بانک‌ها که برای آن‌ها یادآور بهره‌کشی و استثمار بود، خشم خود را به مناسبات حاکم بر جامعه نشان می‌دادند.»

«۱۹ دی ۱۳۵۷، سه‌شنبه»

شهرهای شیراز و اردبیل از کنترل دولت خارج شد و اداره امور شهر به دست مردم افتاد. در این روز، امام خمینی (ره) در پیامی از مردم خواستند تا خشم خود را کنترل کرده و ساواکی‌ها را مجازات نکنند. ایشان فرمودند که این نحوه مجازات‌ها از طرف جناح‌های منحرفی صورت می‌گیرد که می‌خواهند هرج‌ومرج ایجاد کنند و با ایجاد کودتای نظامی کشور را به تباهی بکشند.

و مطلبی هم از جمعه ۱۳ بهمن ۱۳۵۷:

«در و دیوار کوچه پشت مجلس پر بود از جمله‌ها و پلاکاردهایی نظیر «زیارت قبول» و «با یکبار زیارت امام این توفیق را به دیگران هم بدهید». حیاط مدرسه هر دم از جمعیت پر و خالی می‌شد و این موج، لحظه‌ای از حرکت باز نمی‌ایستاد.»



ت‌تبلع از ارایع سینماک ایران
به‌تقلید از آثار رست‌یاب‌یخ غریب
فیلم‌هایش ده‌روایت‌های عاشقانه
و رقص و کوچه‌ی می‌ساخت و برای
صداها آن‌ها هم از چاشنی
بزرگ و کتک استفاده می‌کرد
البته سینماگران هم بودند که افکار
انتقادی داشتند و سعی می‌کردند
در دل‌های خود از رژیم پهلوی و نیاز
به تغییر را با ساخت فیلم‌هایشان
به مردم نشان بدهند

دود که از غرب
ما هنر سینما
ر جامعه اصلا
یگران از نظر
ن بودند
با آموزه‌های
ن از کار بیرون
آوردی جدید و

اما از اول هم قرار نبود سینما در جمهوری اسلامی ایران تعطیل بشود. امام خمینی(ره) در همان روز ۱۲ بهمن که به کشور بازگشتند در سخنرانی خود در بهشت زهرا(س) با گفتن این که سینما، تلویزیون و رادیوی رژیم پهلوی محتوای نادرستی پخش می‌کند، گفتند که ما با سینما، رادیو و تلویزیون مخالف نیستیم بلکه با محتوای نادرست و زشت مخالف هستیم. امام خمینی(ره) هم چنین در همان سخنرانی گفتند که ما با تجدد (تغییر در راستای مدرن شدن) هم مخالف نیستیم، اما نه تجددی که از غرب آمده باشد

سینما در خدمت تربیت

اما از اول هم قرار نبود سینما در جمهوری اسلامی ایران تعطیل بشود. امام خمینی(ره) در همان روز ۱۲ بهمن که به کشور بازگشتند در سخنرانی خود در بهشت زهرا(س) با گفتن این که سینما، تلویزیون و رادیوی رژیم پهلوی محتوای نادرستی پخش می‌کند، گفتند که ما با سینما، رادیو و تلویزیون مخالف نیستیم بلکه با محتوای نادرست و زشت مخالف هستیم. امام خمینی(ره) هم چنین در همان سخنرانی گفتند که ما با تجدد (تغییر در راستای مدرن شدن) هم مخالف نیستیم، اما نه تجددی که از غرب آمده باشد. سینما هم از جمله هنرهای مدرن است که باید در خدمت تربیت مردم باشد نه این که جوانان و نیروی کار ما را از بین ببرد. این رویکرد امام خمینی(ره) به سینما و تلویزیون نشان می‌داد که قرار نبود این هنرها در کشور ما کلاً تعطیل شوند بلکه قرار بود تغییر کنند. از طرف دیگر هم نشان می‌داد که تصور خیلی از دشمنان از جمهوری اسلامی و دین اسلام تصور غلطی است.



فیلمسازی محتوامی‌گیرد

بعد از انقلاب بازیگران زن دیگر نمی‌توانستند بدون پوشش فیلم بازی کنند و بازیگران مرد هم باید حدود پوشش و قوانین اسلام را رعایت می‌کردند. بسیاری از بازیگران مرد و زن که تا قبل از انقلاب در آثار نامناسبی بازی می‌کردند، توبه کردند و در سینمای بعد از انقلاب هم مشغول به کار شدند، اما این فقط تغییر در ظاهر بود و مهم بوده اما تغییر در محتوای فیلم‌ها مهم‌تر بود. تا قبل از این سینمای ایران به تقلید از آثار دست‌پایین غربی فیلم‌هایی با روایت‌های عاشقانه و رقص و آواز می‌ساخت و برای هیجان آن هم از چاشنی بزن و بکش استفاده می‌کرد! البته سینماگرانی هم بودند که افکار انقلابی داشتند و سعی می‌کردند دلزدگی خود از رژیم پهلوی و نیاز به تغییر را با ساخت فیلم‌هایشان به مردم نشان بدهند. مثلاً «مسعود کیمیایی» در سال ۱۳۵۶، فیلم «سفر سنگ» را ساخت. این فیلم داستان اربابی است که به مردم روستا ظلم می‌کند. با ورود یک کولی به داستان مردم با او همراه می‌شوند و سنگ آسیابی که ارباب مانع از ورود آن به روستا شده تا مردم بتوانند با آن کارشان را رونق بدهند، با زحمت بسیار به روستا وارد می‌کنند و ارباب را شکست می‌دهند. خیلی‌ها این فیلم، شخصیت‌ها و تصویرسازی‌های آن را بلندترین فریاد انقلاب در سینمای ایران می‌دانند که به مردم نشان می‌داد بالاخره با زحمت می‌شود در برابر ظلم ایستاد و آن را شکست داد. بعد از انقلاب هم گروه‌های هنری مختلفی در طی سال‌ها سعی کردند به سینمای ایران محتوای خوب و ارزشمند برسانند تا تماشای فیلم برای مردم هم تفریح باشد هم سود و آگاهی داشته باشد. در واقع تغییر سینما قبل و بعد از انقلاب این بود که در جمهوری اسلامی سینما قرار نبود فقط وسیله سرگرمی و پرکردن وقت باشد بلکه قرار بود اندیشه‌های یک جامعه اسلامی و ایرانی در آن به مردم نشان داده بشود.

جشنواره فیلم فجر

یکی از مواردی که توجه جمهوری اسلامی ایران را به هنر سینما به‌خوبی نشان می‌دهد برگزاری سی‌وشش دوره جشنواره موفق به اسم «فیلم فجر» است که آخرین آن در همین روزهایی که شما این گزارش را می‌خوانید، در حال اجراست. این جشنواره جایگزینی برای «جشنواره بین‌المللی فیلم تهران» بود که تا قبل از انقلاب «فرح پهلوی»، همسر محمدرضا پهلوی مسئول برگزاری آن بود. جشنواره‌ای که هیچ‌وقت موفقیت‌ها و شهرت فیلم فجر را به دست نیاورد. اولین دوره جشنواره فیلم فجر در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۱ برگزار شد و اسم آن «فستیوال بین‌المللی فیلم فجر» بود. سال ۱۳۶۱ عراق در حال جنگ با ایران بود و فیلم‌های آن دوره هم همگی به‌نوعی محتوای زمان جنگ را داشتند. آن جشنواره بخش حرفه‌ای هم نداشت و فیلم‌های حرفه‌ای بدون شرکت در مسابقه به نمایش درآمدند. اما از آن سال تاکنون جشنواره فیلم فجر تغییرات زیادی کرده است. حالا حرفه‌ای‌ترین و مهم‌ترین فیلم‌های سال کشور در این جشنواره به نمایش درمی‌آید. چند سال است بخش بین‌الملل از بخش داخلی جدا شده تا ایران بهتر بتواند میزبان فیلمسازان و فیلم‌های بین‌المللی از کشورهای مختلف باشد؛ البته از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۴، جشنواره فیلم فجر فقط به تولیدات داخلی می‌پرداخت، اما از آن سال به بعد فیلم‌هایی از سینیمای جهان هم به این جشنواره اضافه شدند. حالا جشنواره فیلم فجر سال‌هاست که بخش موسیقی و تئاتر هم دارد و در این زمینه هم سالانه هنرمندان زیادی هنرشان را به ایران و جهان معرفی می‌کنند.

آشتی با سینما

تصور بسیاری از کسانی که با دین اسلام آشنایی کامل ندارند این است که این دین با هنرهای مدرن و حتی هر چیزی که جدید باشد، مخالف است. درست است که دین اسلام از سال‌های بسیار دور به دست ما رسیده است، اما همان‌طور که کتاب آسمانی‌اش قرآن در همه این سال‌ها با همه تغییرات انسان، کتاب کاملی برای او بوده است، آموزه‌های اسلام هم برای همه دوره‌ها و قرون و سال‌هاست و در هیچ دوره‌ای کهنه و قدیمی نمی‌شود. مردم مسلمان ایران دل خوشی از سپنمای مبتذل دوران شاه که بسیاری از جوانان را گمراه کرده بود، نداشتند و به همین خاطر اصلاً به هنری مثل سینما روی خودش نشان نمی‌دادند، اما این هوشمندی امام خمینی(ره) بود که اعلام کردند سینما به‌خودی‌خود بد نیست بلکه محتوایی که از آن نمایش داده می‌شود می‌تواند خوب یا بد باشد و جمهوری اسلامی فقط با محتوای بد و به‌دور از اسلام مخالف است. همین تفکر باعث شد سینمای ما با فراز و نشیب زیاد، اما این روزها هم حرفه‌ای زیادی برای مردم داشته باشد و خیلی از وقت‌ها به آن‌ها امید و آگاهی بدهد.

ه انقلاب اسلامی برای نوجوانان»

و رویدادها

گروهی هستی که انقلاب اسلامی را ندیده‌ای، شاید خاطراتی یا مادرت شنیده باشی، اما واقعاً این اطلاعات کافی است؟ خودت حق داری از این دوران اطلاعات کسب کنی. خواندن ات نوشته شده، به تو کمک می‌کند، اما «فرهنگ‌نامه انقلاب» این راه برای کسب اطلاعات بیشتر است. شاید بعد از خواندن و دانستن این فرهنگ‌نامه را برای خودت تهیه کنی.

دیوارنوشته‌ها

مردم انقلابی روی دیوارها هم شعارهایی را می‌نوشتند. به این شعارها، «دیوارنوشته‌ها» می‌گفتند که چندان از آن‌ها را با هم مرور می‌کنیم. این دیوارنوشته‌ها هم براساس حروف الفبا تنظیم شده‌اند: «زن‌ان به ما پیوستند، بی‌غیرتان نشستند»، «سقوط شاه نزدیک است، هموطن، مبارک»، «هموطنان مسیحی سالگرد تولد مسیح را جشن نگیرند، آن‌ها با این عمل همبستگی خود را با نهضت اعلام کردند» و «وارد شدن ارتش رژیم صهیونیستی، نشانه شکست است.» شاید معنای این دیوارنوشته آخر را ندانی، اما نگران نباش، هر کلمه یا عبارتی که برایت ناآشناست، در کتاب، توضیحات خوب و مفصلی دارد: «شایع شده بود که سربازان ضدشورش و تعلیم‌دیده صهیونیستی برای سرکوبی مردم وارد ایران شده‌اند.» علاوه بر دیوارنوشته‌ها، «پارچه نوشته‌ها» هم حرف دل مردم را بیان می‌کردند. پارچه نوشت، پارچه‌های بزرگی است که مردم روی آن با جملاتی تا حد امکان کوتاه و گویا، خواسته‌ها، اعتراض‌ها و عقایدشان را می‌نوشتند.

فرهنگ انقلاب اسلامی نوجوانان

فرهنگ‌نامه انقلاب اسلامی برای نوجوانان
نویسنده: مرجان فولادوند/ تهران: کانون
پرورش فکری کودکان و نوجوانان / گروه
سنی: ۵/ ۲۴۰ ص



اصطلاحات عامیانه

آن موقع بین مردم تهران و همین‌طور مردم شهرهای مختلف، اصطلاحاتی رایج بود که به آن «اصطلاحات عامیانه» می‌گفتند. «ایشک پهلوی»، یکی از همین اصطلاحات بود؛ «ایشک در زبان ترکی به معنای «خر» است. مردم به سبب تشابه آهنگ این کلمه با نام خواهر دوقلوی شاه «اشرف» او را به این نام می‌خواندند. حتی به خیابان‌هایی که به نام وی نام‌گذاری شده بود، «ایشک پهلوی» می‌گفتند. حیف است در مورد اصطلاح «مرغ توفان» چیزی ندانی: «شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر رژیم سلطنتی در اولین سخنرانی‌اش رجز خوانده بود که: «من مرغ توفانم، نمی‌ترسم من از توفان.» به همین دلیل، مردم با توجه به جثه ضعیف و شایعه اعتیاد او به طنز و شوخی او را مرغ توفان می‌خواندند.»

فرهنگ رفتاری

آن وقت‌ها مردم «فرهنگ رفتاری» خاصی داشتند که از اوضاع سیاسی تأثیر می‌گرفت. در بخش فرهنگ رفتاری با این فرهنگ آشنا می‌شوی که تغییر تصویرهای شاه، پریدن عکس شاه از اسکنا، استفاده از بلندگو برای خبررسانی، پخش اعلامیه، ایستادن روی ساختمان‌های نیمه‌تمام، تظاهرات شبانه، «تراشیدن سر» و... بعضی از آن‌هاست: «تعداد جوانانی که موهایی سر خود را از ته کوتاه کرده یا می‌تراشیدند، روزبه‌روز بیشتر می‌شد. به ظاهر این شیوه اصلاح سر که مخصوص سربازان است، مدل دلخواه بسیاری از جوانان شده بود، اما در واقع این ابتکار تازه برای مخفی کردن سربازان فراری میان مردم بود.» راستی، «پاشیدن آب روی مردم» هم آن موقع رواج داشت: «راهپیمایی در هوای گرم، فشار آب‌پوه جمعیت و مسیر و زمان طولانی، کاری بسیار سخت بود. به همین خاطر، اهالی خانه‌های سر راه راهپیمایان برای خنک کردن مردم با شیلنگ آب روی سر آن‌ها آب می‌پاشیدند.» بخش «شخصیت‌ها» هم تو را با نام شخصیت‌های آن دوران آشنا می‌کند، اما بهتر است این بخش را خودت به‌تثابی مرور کنی. حتماً نیازی به خرید کتاب نیست، همین که عضو یک کتابخانه ویژه نوجوانان باشی، می‌توانی این فرهنگ‌نامه را امانت بگیری.

این نفس مانع است، خودت بر طرف نما
بین من و تو چیدن دیوارها بس است
من بندگی ز ترس جهنم نمی کنم
بنده شدن به خاطر اجبارها بس است!

روی دست ماندن این بارها بس است
غیر از تو روزدن به خریدارها بس است...
در لطف تو تحمل آه فقیر نیست...
فیاض را صدای گرفتارها بس است...



ویژه نامه دهه انقلاب
برای کنل چهارم می ها

چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۶
۲۰ جمادی الاول ۱۴۳۹
online.ir



محمد عکاف

سلام بانو! این روزها روزهای غریبی است. احساس می کنم عقربه های ساعت های جهان همگی ایستاده اند. ای کاش می شد کاری کرد. نیرویی، توانی که این عقربه های خموده و خسته را به حرکت وادار کند و از این رخوت و خستگی نجاتشان دهد.

بانو! احساس می کنم جاهلیت مدرن و بت های امروزی سر تاسر این شهر را گرفته اند. پدرتان بت های سنگی و چوبی را در هم کوید، کاش موعودی برسد و بت های انسانی را از اسب غرور و خودخواهی پایین بکشد. از یمن تا سوریه، از سوریه تا عراق، از عراق تا فلسطین، شیخ بت های امروزی را می توان احساس کرد.

بانو! دلم گرفته از این همه تنهایی... دلم گرفته از مدینه بی پیامبر (ص)، کوفه بی علی (ع)، کربلای بی حسین (ع) و شام بی زینب (س)! هست یاری کننده ای؟ بانو! از مدینه تا مسجد نبوی، از محله بنی هاشم تا خانه ای که زینب برایش بانویی می کند، علی (ع)... دلش برایت تنگ شده است. بانو! علی منتظر است، نگاهش کن...! توی شهر، خانه، کوچکی است که هنوز چراغش روشن است. بانو! ایام فاطمیه که می رسد، پیش از همیشه به حضور پرهیزت نیاز پیدا می کنیم، مادرانه، مهربانیات را در حق ما تمام کن.

سلام بانو...! (۶)
دلم گرفته
از این همه تنهایی...



تقویم را ورق بزن
۱۸ بهمن ۱۳۵۷

با وجود اینکه با ورود امام خمینی (ره) به کشور، بختیار جایگاه خود را در میان ملت ایران از دست داده بود. اما هنوز هم کسانی بودند که طرفدار رژیم پهلوی و بختیار بودند و گاهی برای طرفداری از بختیار در خیابان ها تظاهرات می کردند. در این روز طرفداران بختیار مقابل ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی) رفتند و در طرفداری از شاپور بختیار شعار سر دادند. همزمان هم انقلابی ها به آنجا رفتند و در حمایت از امام و حکومت اسلامی شعار دادند. «بختیار، بختیار نوکر بی اختیار». این گونه تجمع ها معمولاً به درگیری بین دو طرف منجر می شد و نمونه ای از نقشه های بختیار بود که مردم انقلابی را به خاک و خون بکشند. این درگیری ها به صورت عمدی در جای جای کشور از سوی طرفداران بختیار شکل می گرفت.

نقشه دشمن برای آسیب رساندن به مردم انقلابی و باز کردن نقطه امید یی برای طرفداران شاه بود که با رهبری و سخنان امام خمینی امید دشمنان انقلاب کور شد. یکی دیگر از اتفاقات روز ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ افتتاح کانال خبری انقلاب بود. همزمان با آمدن امام به ایران، موضوع افتتاح کانال خبری انقلاب مطرح شد. دلیل آن هم این بود که چون هنوز رژیم بر رادیو و تلویزیون تسلط داشت، بخش پیام های انقلاب با مشکل مواجه بود.

استفاده از یک کانال تلویزیونی خبری، وسیله خوبی برای بخش پیام ها و اخبار انقلاب بود. سرانجام تصمیم گرفته شد و مرکز بخش این کانال، مدرسه علوی و مهم ترین برنامه های آن بخش پیام های امام و اخبار رویدادهای انقلاب بود. بیشتر برنامه های این کانال تلویزیونی تا قبل از روز ۲۲ بهمن، بخش مستقیم مراسم انتخاب مهندس بازرگان به نخست وزیری و اعلام حمایت های مردمی از او بود. مردم در آن روزها با استفاده از کانال انقلاب خبرهای مربوط به درگیری انقلابیون با نیروهای حمایت کننده از رژیم را تماشا می کردند و از اخبار مهم مطلع می شدند. بازرگان هم که با حکم امام خمینی، نخست وزیر دولت موقت شده بود، در صبح روز هجدهم بهمن ماه در حالی که وسایل ضروری و شخصی خود را به همراه داشت به مدرسه علوی نقل مکان کرد. او اعلام کرد که به ساختمان نخست وزیری نخواهد رفت و مقر امام را به عنوان دفتر نخست وزیری انتخاب کرده است و در آنجا مشغول به کار خواهد شد.



نام ۱۲ عضو
کابینه انقلابی در
اطلاعات امروز

دولت انقلابی
وزارتخانه ها را توسط
کارمندان بدست میگیرد

تدارک
گسترده
برای راه
پیمانی فردا

دکتر حاج
سیدجوادی
مخفی است

دیدار با امام
خمینی فردا
انجام نمیشود

نظریات
شوروی
وامر یکبار
بازرگان

تهدید آرمیز
تجزیه کات موائل
تجزیه سابق است

اعلامیه
استادزنگنه
فرماندار

شوخی با مرغ توفان

در میان خبرهای جدی و رسمی که این روزها صفحات روزنامه ها را پر کرده است کاریکاتورها اما حرف های جدی را با زبان طنز می زنند. بختیار نخست وزیر رژیم پهلوی همچنان خودش را نخست وزیر ایران می داند و با اینکه امام خمینی مهندس مهدی بازرگان را مأمور تشکیل دولت موقت کرده است اما بختیار تلاش دارد قدرت را در دست داشته باشد. او در جدیدترین مصاحبه خودش اعلام کرد که مرغ توفان است و حوادث اخیر نمی تواند در دل او ترس و بیم راه داده و همچنان در رأس قدرت است. او حتی به مهندس مهدی بازرگان اعلام کرد که اگر از راه مسالمت آمیز وارد شود می تواند یکی ۲ نفر از وزرای پیش او را در دولت خودش استفاده کند. اما امام همچنان موضع خودش را دارد و اعلام کرده است هیچ راهی برای مذاکره با دولت بختیار نیست مگر اینکه او ابتدا از این سمت استعفا بدهد. ماجرای بختیار و حواشی اش امروز دستمایه کاریکاتور پست روزنامه اطلاعات شد و این کاریکاتور را منتشر کرد. زیر این کاریکاتور هم نوشت. «یک مملکت، یک دولت، یک مرغ، یک پاپ...»



درگیری نظامیان با خانواده همفران زندانی

همفران نیروی هوایی از جمله نخستین نیروهای نظامی بودند که به انقلاب پیوستند و برای ورود امام خمینی به کشور بیشترین تلاش را کردند. به همین دلیل رژیم شاه تعداد زیادی از همفران و درجه داران نیروی هوایی را دستگیر و زندانی کرد که باعث شد خانواده های این افراد در محل کاخ دادگستری تحصن کنند اما دامنه این تحصن تا جایی پیش رفت که بین خانواده های همفران و نیروهای نظامی رژیم پهلوی درگیری اتفاق افتاد. در بریده جراید آن روزها خبری را در این باره دیدیم: «چهارمین روز تحصن خانواده های همفران- درجه داران و افسران هواییروز چندان آرام نبود. دیروز نیز همانند روزهای پیش گروه ها و طبقاتی از مردم برای اظهار همدردی و اعلام همبستگی خود با متحصنین در وزارت دادگستری اجتماع کردند و به تظاهرات و دادن شعار پرداختند. در این هنگام مأموران فرمانداری نظامی از جمعیتی که در بیرون اجتماع کرده بودند خواستند تا از شعار دادن خودداری ورزند ولی آنان مخالفت کردند و مأموران با پرتاب گازهای اشک آور و شلیک تیر هوایی آنان را متفرق نمودند.

۱۸ بهمن ۱۳۵۷ در روزنامه ها چه گذشت؟

محل اقامت امام دفتر کار دولت موقت

اعلام منع عبور و مرور

در این روزهایی که در گوشه گوشه ایران راهپیمایی است و کشور هر لحظه به یک انقلاب بزرگ نزدیک می شود فرمانداری تهران ساعت منع عبور و مرور اعلام می کند، یعنی همان حکومت نظامی: «فرمانداری نظامی تهران اعلام کرد ساعت منع عبور و مرور را یک ساعت کاهش داده و آغاز ساعت منع عبور و مرور مردم در خیابان ها از ساعت ۱۱ شب به ۱۲ شب تغییر یافت و از امروز عبور از ساعت ۱۲ شب تا ۵ صبح ممنوع است.» اما نکته جالب اینکه مردم در این روزها به این اعلامیه ها بی توجه هستند.



ساعات منع عبور و مرور از
۱۲ تا ۵ صبح است

فرماندار نظامی تهران ها از ساعت ۱۱ شبیه ۱۲ اعلام کرد ساعات منع عبور شب تغییر یافت و از امروز مرور را یک ساعت کاهش عبور از ساعت ۱۲ شب تا ۵ صبح ممنوع است .
عبور و مرور مردم درخیابان



کابینه دولت موقت آماده می شود

امروز چهارشنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ روزنامه ها نوشته بودند، احتمالاً ورا تا شنبه معرفی می شوند. مهندس بازرگان از صبح دیروز به محل کمیته استقبال از امام نقل مکان کرده و دیشب با بردن وسایل ضروری از منزل خود به محل مدرسه علوی (اقامتگاه امام خمینی) عملاً در محل ذکر شده مستقر شد و گفته می شود فعلاً تا معرفی وزرا به امام خمینی و به وجود آمدن تحولات تازه از ستاد به عنوان نخست وزیری استفاده خواهد کرد. دیروز از صبح مهندس بازرگان، ملاقات های متعددی داشت. در این ملاقات ها، مسائل متعدد کشور مورد بررسی قرار گرفت. دیروز همچنین تنی چند از اصناف و بازاریان، امکان بازگشایی بازار و مغازه ها را با مهندس بازرگان بررسی کردند. در تمام طول روز فعالیت حجت الاسلام هاشمی و دکتر مفتاح در محل ستاد نخست وزیری موقت چشمگیر بود.



دولت انقلابی وزارتخانه ها را
توسط کارمندان بدست میگیرد

مهندس بازرگان و دکتر توسلی نیز ازجمله دبیرانوزارتخانه ها در روزهای اول انقلاب مسئولیت وزیر دولت موقت را برعهده داشتند. مهندس بازرگان در روزهای اول انقلاب به عنوان وزیر امور خارجه و دکتر توسلی به عنوان وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب شدند. این دو وزیر در روزهای اول انقلاب به همراه سایر وزرا در محل اقامت امام خمینی در مدرسه علوی مستقر شدند.



پرتاب گازاشک آوردر
محوطه کاخ دادگستری

چهارمین روز تحصن خانواده های همفران و درجه داران و افسران هواییروز چندان آرام نبود. دیروز نیز همانند روزهای پیش گروه ها و طبقاتی از مردم برای اظهار همدردی و اعلام همبستگی خود با متحصنین در وزارت دادگستری اجتماع کردند و به تظاهرات و دادن شعار پرداختند. در این هنگام مأموران فرمانداری نظامی از جمعیتی که در بیرون اجتماع کرده بودند خواستند تا از شعار دادن خودداری ورزند ولی آنان مخالفت کردند و مأموران با پرتاب گازهای اشک آور و شلیک تیر هوایی آنان را متفرق نمودند.